

توقان

دوره چهارم
ماهنامه
حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران

سفر هواکوفنگ به ایران

سفر "هوا کوفنگ" صدر حزب کمونیست و دولت چین توده ای به ایران در زمانی صورت میگیرد که خلق زحمتکش و مستبدانه ما و بیست و نهمین طبقه کارگر قهرمان ایران جامه سوگ و بید هزاران شهیدی بر تن کرده که طرف کثرت از یک سال گذشته بز جای گذاشته است و این سفر در زمانی صورت میگیرد که توده های زحمتکش و قهرمان میهن ما با شهادتی بی نظیر سینه ستیز خوش را در مقابل لوله های تانک و توپ و مسلسل های دستگاه افریزی محمد رضا شاه و این عوامل امپریالیسم آمریکا و سربانان و خوفا سازان و سوطه خاندان تنگین پهلوی و قطع نفوذ امپریالیسم از ایران است و این سفر در زمانی صورت میگیرد که امپریالیسم جهانی سرسایه از جنبش انقلابی خلقهای قهرمان ایران و به هزار مکر و خیل میخواند پنجه خون آشام خویش و رژیم طبقات ارتجاعی و وابسته ایران را همچنان بر سر نوبت میهن ما حفظ کند و با انجام تغییرات سیاسی بر بیست و نهمین طبقه خلق بیرون آورد.

سفر "هوا کوفنگ" برای پشتیبانی از رژیم شاه انجام میدهد و آنهم زمانی که رژیم در دست پهلوی در ندادن کوتاهی خون هزاران تن از فرزندان خلق را بر زمین ریخته و در نهایت قنات صد ها تن بیگانه را در آبادان زنده زنده در آتش کشید کین حیوانی خوش سوزانیده است. زمانی که شاه این سنگ زنجیری امپریالیسم آمریکا بزبان آورده و مانند سلفا خویش محقد علی میرزای قاجار وند "آزادی" به خلقهای میهن ما میدهد این سفر بهنگامی صورت میگیرد که حتی حامیان امپریالیست شاه را نیز که از وضع ایران سرسایه شده اند و شافع خود را در خطر مینیند و مجدانه در تثبیت رژیم نیکت بار طبقات ارتجاعی و وابسته ایران تلاش میکنند و حسرت تاقاع علی از این دستگاه پوسیده باقی نمانده است.

مسلما این سوال مطرح میشود که چرا رهبری کمونیست "سو سیالیستی" در یک چنین موقعیت بحرانی رژیم شاه تصمیم به تظاهر علی نافع خویش از تقسیم پهلوی و سلطه امپریالیسم - بیوز آمریکا در ایران میگیرد و حتی عمداً بدت باز میزند و از ایران میفرزاید ؟ برای درک روشن این مطلب بهتر است که به عقب برگردیم و آن را از جنبه ن جهت مورد بررسی قرار دهیم .

در صاحه ای که شاه در چند ماه قبل با مقربین و روزنامه نگاران انجام داد و اعلام داشت که "الساعة روابط کشور ما با کشورهای سوسیالیستی شوروی و چین خوست و آنها از ما پشتیبانی میکنند" دیگر چه جای مخالفت چپ ها با ما است ؟ در واقع امر شاه با دعوت صدر دولت چین که دارای نقاب سو سیالیستی است به ایران و میخواند در مقابل انقلابیون ایران مانور داده و با برج کشیدن پشتیبانی رهبری امپریالیست کمونیست باصطلاح سوسیالیستی و فرزندان انقلابی خلق ما را نسبت به ماهیت کیفی رژیم خویش دچار توهمات گرداند . البته روشن است که انقلابیون ایران و خلق ما و رهبران کشورهای سوسیالیستی عشق ورزیده و احترام بسیاری برای آنها قایلند لکن تجربه به تلقی بسخلی ما آموخته است که تا زمانی دولتی را احترام گذارند و دوست بدارند که آن دولت در اردوگاه انقلاب جهانی قرار نگیرد و هرگاه دولتی با این اردوگاه عظیم پشت کند و وی را آماج نفرت و کین مقدس خویش قرار دهد ، چنین است که در زمان لنین و استالین ، دولت شوروی مورد عشق و محبت زحمتکشان میهن ما قرار نداشت و از جان و دل مورد پشتیبانی آنها بود . زیرا که شوروی آن زمان شوروی انقلابی سوسیالیستی بود و بعد ریخ از تجاوزات کارگران و خلقهای بسیاری آزادی و رهایی ملی و طبقاتی بقیه در صفا

بیست و پنج سال از کودتای تنگین ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ میگذرد . بیست و پنج سال خنایت ، قتل و غارت و تجاوز و انبار کسبخته به حقوق خلقهای ایران . سراسر این بیست و پنج سال ملو از اهدام آزادگان و خیانتهای تاریخی خاندان پهلوی به سرکردگی محمد رضا شاه است . ۲۸ مرداد سر فصل دورانی است که امپریالیسم راهزن آمریکا یکی از باوانا ترین سگهای زنجیری خود را بر جان و مال و ناموس مردم میهن ما حاکم میسازد . ۲۸ مرداد آغاز مرحله است که دست آورد های مبارزات خلقهای ایران بر ضد امپریالیسم انگلستان ، که منجر به بیرون راندن وی از میهن ما و ملی کردن نفت ایران شده بود ، توسط محمد رضا شاه خائن و به پشتیبانی امپریالیسم آمریکا پایمال میگردد .

محمد رضا شاه و این نوکر خانه زاد امپریالیسم ، توسط امپریالیسم انگلستان به جای پدرش رضا خان ، آن قلندر خود فروخته به سلطنت رسید . رضا خان خود نیز بیچاره کودتایی به یاری انگلستان به قدرت رسیده بود . بدین ترتیب خیانت و نوکری امپریالیسم در خاندان پهلوی موروثی میگردد . بیپرده نیست اگر کارنامه " محمد رضا شاه نریمانند کارنامه " پدر تاجدارش سیه و پیر از خنایت و جنایت و آدم کشی است . خاندان پهلوی در ایران چیز حفاظت از منافع امپریالیسم و طبقه برای خود نمی شناسد . از امپریالیست که محمد رضا شاه نیز از همان اوان سلطنتش پس از بدینی با خلقهای ایران غفلت نورزید . او هنوز هم به جنایات خود و ارتشش در سرکشی خلقهای آذربایجان و کردستان " افتخار" میکند . او دشمنی و کینه نسبت به طبقه کارگر و حزب او را نیز یکی دیگر از افتخارات خود به حساب می آورد .

در دوران پس از جنگ دوم جهانی و پیروزی خلقهای جهان بر فاشیسم هیتلری ، امپریالیسم در سراسر جهان خود را با مبارزات خلقها برای آزادی و پیروزی و میجو شد برای فرار از موقعیت بد خود و در انتظار موقعیتی مناسبتر و به عقب نشینیهای تاکیکی تن در دهد . این خوی اوست که به هر خدیجه و نیرنگی توسل میجو تا آفتی خود را بر میجان حفظ کند . در ایران ، امپریالیسم پایگاه اصلی و محکم خود را در پهلوی می یافت . زیرا نیکت بار پهلوی آن را نه است که از آنجا ، کفار امپریالیست توانسته است در مدت بیش از نیم قرن ، بی محابا وطن ما را مورد تاخت و تاز و غارت قرار دهد . مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران ، به قبل از شهریور ۱۳۲۰ و چه بعد از آن و همواره از طرف این آشایفم اهریمن مورد تجاوز خاندان و سرکوب قرار گرفته است .

مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران ، از شهریور بیست و نهمین تا بیست و هشت مرداد ۱۳۲۲ در ملی کردن صنعت نفت و بیرون راندن امپریالیسم حاکم انگلستان تبلور می یابد . در این دوران ، طبقه کارگر ایران به رهبری حزب خود ، حزب توده ایران که هنوز به رهبری نیم نچار نشده بود ، شناخت درستی از امپریالیسم و دربار مغز پهلوی داشت و همواره میگویند واقعیت دربار و پشتیبانان او را بر مردم شناساند طبقه کارگر ایران آگاه بود که امپریالیسم آمریکا علاقمند است در غارت منابع و دست ارنج خلقهای زحمتکش ما شریک گردد و از اینرو در رقابت سختی با امپریالیسم انگلستان قرار دارد .

اکثریت توده های زحمتکش ما از جان و دل خواهان مبارزه بی امان و سرسخت با امپریالیسم و لانه وی دربار پهلوی بودند و ضمنانه با توطئه های امپریالیسم و ایادی ایرانیش مبارزه میکردند . قیام شکوهند سی تیر ۱۳۲۱ که توطئه های خاندان دربار را در خلج درگرم صدق از نخست زوری با شکست مواجه نمود و یکی از نمونه های مبارزات درخشان توده های وسیع خلق ماست که متشکل و یکپارچه کمک حزب طبقه کارگر برای درهم شکستن دسایس امپریالیسم بیخاسته بودند . سی ام تیر روزی بود که ارتجاع ایران به سرکردگی دربار پهلوی سختی شکست خورد و اگر محافه کاری جنبه ملی نمبود ، امکان داشت که این روز سر تا سر تا بر زمین انبیا در دمان پهلوی برای همیشه از زوری زمین باشد .

در این روز تاریخی ، ارتش که در اکثر شهر های بزرگ بر تظاهر کنندگان یورش برده و جمع کثیری از فرزندان غیور

خلقهای ما را بیست و هشت رسانیده بود و در مقابل میل عظیم و متحد توده های مبارز مجبور به عقب نشینی شد . خصمین که بسیاری از افسران وطن پرست نیز در کنار خلق قرار گرفته بودند . پیروزی قیام سی ام تیر نشان داده بود که شکست ارتجاع و دربار فقط در سایه وحدت تمام نیروهای آزادیخواه و ملی امکان پذیر است . در اثر این قیام ضربه های کاری بر دربار پهلوی و امپریالیسم وارد آمد . قوا و سلطنت از نخست زوری ساقط شد و درگرم صدق و رهبر جنبه ملی با قدرت و اختیارات وسیعی دوباره ریاست دولت را در دست گرفت . پیروزی ملی که در این مرحله تاریخی با کمک همه طبقه و پیروزه متشکل ترین نیروی آن روزان یعنی طبقه کارگر به رهبری حزب توده ، به حکومت رسید و بود . قاعدتا مسی با بیست خواستهای قاطعه مردم که خواهان محاکمه و تنبیه عاملین کنترا سی ام تیر و برچیدن بساط دربار پهلوی این لانه فساد و توطئه چینی ضد خلق بودند را علی بسا زده ولی پیروزی بنا بر ماهیت خود ، از جنبش شکوهند توده های خلق به سرکجه و چار بند و بخصوص از قدرت گرفتن روز افزون نیروهای انقلابی ایرانی به وحشت افتاد . امپریالیست از این پس سازش با امپریالیسم جهانی جهت عمده راهی بود . کتوسط پیروزی ملی در پیش گرفته شد نتیجه عاملین جنایات سی ام تیر بدست فراموشی سپرده شد و حتی خود قوا و سلطنت این عامل امپریالیسم انگلیس تحت حمایت رهبران جنبه ملی قرار گرفت و خواست مردم که صابزه آموالی وی بود از طرف حکومت صدق بی جواب ماند . بجلاوه همه جاننا هرات سبب شکوه مردم بر ضد انواع دسایس امپریالیسم به دستور حکومتی صدق به خن کشیده شد و در عرض احزاب و دستجات فاشیستی و معلوم الحالی نظیر حزب پان ایرانیست و حزب سوسیالیست زحمتکشان (معروف به حزب آذکشان درگرم نظریاتی) و . . . که کارگر چیز ایجاد و تقویت گروههای فاشیستی و دستجات چاقوکشان حرفه ای آلت دست دربار و امپریالیسم نداشتند در سراسر ایران فعال ایستاد بودند . در واقع حکومت جنبه ملی گمان میگرد برای مبارزه با امپریالیسم انگلیس می توان امپریالیسم آمریکا تکیه زد . بعقیده درگرم صدق و دولت آمریکا دولتی آزادیخواه بوده و نمایندگان امپریالیسم آمریکا نظیر ترومن و هرپس ، ماکگیلر که در کز حیدر آباد را برادر خود مینامید (بی توانستند در مبارزات ضد امپریالیسم خلق ایران با یاری وی باشند . برعکس و صدق از جنبه جهانی پرلناریایی و وحشت داشت . تا آنجا که پیروزی انقلاب چین را در مجلس شورای ملی و جامعه ای برای بشیرت نامید . امپریالیسم و نوکر وفادار او شاه که در اثر مبارزات مردم و بخصوص در قیام تاریخی سی ام تیر سختی شکست خورد و مجبور به از دست دادن مواضعی شده بودند و لحظه ای از توطئه چینی بر علیه جنبش توده های وسیع خلق ایران و بخصوص بر علیه حکومت صدق و این دستاورد مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ما عاقلانمانندند . دربار پهلوی و امپریالیسم که از تری صدق در حمایت کامل و نهایی از جنبش ضد امپریالیستی خلقهای ما تشویق شده بودند با استفاده از موقعیت مناسبی که انفاض حکومت صدق در برابر فعالیت گروههای ضد ملی نصیبتان کرده بود ، صمانه تر از پیش بر علیه خلقهای ما وارد میدان شدند . دربار حتی به عاملین جنایات سی ام تیر بدال و جایزه داد و حکومت صدق حتی این اعمال دربار را نایده گرفته و فقط تقاضای مرافات قانون را مینمود و به شعار قدیمی خود که "شاه باید سلطنت کند ت حکومت" پایبند مانده بود . امپریالیسم آمریکا رسا به میدان آمد و زرنال شواریتسکی یکی از عوامل شناخته شده سازمان جاسوسی سیا را به ایران فرستاد . مردم زحمتکش ما که امپریالیسم را به خوبی می شناختند ، بر علیه ورود نمایندگان آمریکا به ایران تظاهرات با شکوهی در تهران و سایر شهرها ترتیب دادند . ولی این تظاهرات نیز بار تروسط حکومت صدق شد تا سرکوب شد و خواست عموم خلق ایران منفی بر کردی مستشاران نظامی آمریکا از ارتش ایران بیجواب گذاشته شد .

بدین ترتیب امپریالیسم تقریباً آزادانه در ایران به توطئه چینی برای درهم شکستن حکومت ملی بقیه در صفا

زنده باد ارتش سوسیالیسم پرولتری

۲۵ سال خانان... مشغول بودند و حتی کار به جانی کشیده بود که از افتاء نفعه های خویش نیز بیاکی نداشتند. آذربایجان و رئیس جمهور آمریکا در ۱۵ مرداد ۱۳۳۲ (۱۳ روز قبل از کودتای تنگین ۲۸ مرداد) در یک صاحب نظران با کمال بشیری میگوید: «لازم است دولت آمریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم در کشور های آسیای شرقی، متوجه ایران اقدامات لازم را بعمل آورد و هم اکنون تصمیماتی برای انجام این کار اتخاذ شده است. در بریا خود توسعه کمونیسم را باید در آستانه محدود کرد و ما مصمم به این کار هستیم».

توطئه های امیرالیاسم بزرگ آزادی و استقلال ملت ما هیچگاه از دیده و روشن بینان پوشیده نماند. روزنامه بسوی آینده ازگان حزب توده ایران در ۱۴ مهر ماه ۱۳۳۱ (پیش از ده ماه قبل از کودتا) می نویسد: «کسانی که از شکست مفتضخانه ۳۰ تیر هراسان شده اند، اکنون نظامی ضد ملی دیگری را برای اجرای منظورهای خویش علم کرده اند. این شخص سر لشکر زاهدی... است... و در روز بعد خبر داد که سر لشکر زاهدی می خواهد بکک خانشیانی نظیر بقائی و بعضی سران ارتش نفعه شوم خود را عملی سازد...». همچنین اعلام کرده که دوستان امیرالیاسم آمریکا بر علیه دولت ملی دیگر به مرحله جدی تری رسیده است و میبایست قطع رابطه با دولت انگلستان، توأم با قطع رابطه با امپریالیسمهای آمریکا باشد. ولی چنانکه میندیم هیچ یک از این پیششهاد ها مورد موافقت حکومت جنبه ملی قرار نگرفت و امیرالیاسم آمریکا امکان یافت بر ارضی کودتای ۲۵ مرداد و سپس کودتای ۲۸ مرداد را برانگیزد.

کودتای ۲۵ مرداد ۳۲ توسط سرهنگ تمیمی رئیس گارد سلطنتی عبور اجزا گذاشته شد. ولی کودتا چنان رگه ضد بازرگانی کردن مملکت را داشتند «محرکات توسط نیروها ضد امپریالیسمی ارتش دستگیر شدند. منافقانه شاه موفق به فرار از ایران شده و تمیمی نیز تیریدگی گیر ماند».

در این روزهای تاریخی توده های مردم که خطر امیرالیاسم را حتم می کردند، بمقابله با آن برداختند و همه حاظهارات عطیعی بر با ساختند. خلقهای ما خواهان پایان بخشیدن به حکومت تنگین شاه بودند و این خواست خود را با پانین کشیدن مجسمه های شاه اعلام داشتند ولی حکومت جنبه ملی بجای آن که بر مواضع دشمنان ملت و وطن ما حمله کند، دستور سرنگونی تظاهرات مردم و منع هرگونه تظاهرات را صادر کرد. جنبه ملی که همواره نقش آشن نشان مبارزات مردم را بر عهده داشت و آستانه از این مبارزات میترسید، این باز نیز بجای رهبری توده ها برای برچیدن بساط سلطنت سرسبز و پهلوی و بنحایت شاه و دربار شناخت، پس از فرار شاه، به دستور صدق شوری سلطنتی تشکیل شد و از شاه که در ایتالیا بسر میرد، بر آری بازگشت به ایران و به سلطنت دعوت نمود. ولی امیرالیاسم حرص تر از آنست که بتوافقت نمود یک پیروزی ملی را نیز صدق شوری در جریان ثروت های ملی ما تحمل کند. عملاً و امپریالیسم انگلستان نیز دیگر هیچگونه اعتدالی به حکومت پیروزی ملی ایران نداشت و بخصوص از آن میترسید که ایران بصورت سرسبز متفق برقی خلقهای جهان در آید. تصمیمها گرفته شده بود اشرف، این فاجعه در باره با آن دانش رئیس سازمان جاسوسی سیا و لوی هدر رسن سفیر آمریکا در ایران از مدت ها پیش برای ساقط کردن حکومت صدق و در هم شکستن جنبش توده های خلق ایران، در روسیه به توطئه جینی مشغول بودند. در تهران نیز اول شورا سبک ما امر اجرای نفعه های شوم سیاسی شده بود و شخصاً ریاست جمع آوری جاسوسان و حبیب بر ها و قاجاقیان و انواع دیگر جنایتکاران حرفه ای را بر عهده داشت که در روز ۲۸ مرداد، سر لشکر زاهدی را در اجرای نفعه کودتا یاری کردند.

منافقانه حتی در روز ۲۸ مرداد نیز صدق از همکاری با حزب توده برای در هم شکستن کودتا سباز زد و در جواب حزب توده که خواستار توزیع اسلحه بین مردم بود میگفت: «من بر اوضاع مسلطم». حتی وقتی حزب توده در مقابل خطری که حکومت ملی را تهدید میکرد از صدق «اجازه» خواست به تنهایی اقدام کند، باز هم صدق مخالفت کرده و در حالی که کودتاگران در بخانه او را از جاسوی در میآوردند میگفت: «من بر اوضاع مسلطم».

منافقانه هیئت اجرائی حزب توده در تهران که بانسند امپریونیست دگر پیزی و شرکاء، روانی اکثریت داشتند، بنسباً بر ماهیت این اکثریت قادر نشدند این موقعیت خصاس تاریخی را بسوی درک کنند. پس از کودتا نیز توطئه های تفاق افکنانه اسکندریها، زارادستانها، و وزیرها، که همگی به دنبال منافع تنگ نظرانه گروهی و شخصی خود بودند، چنان شکافی در صفوف حزب پدید آورد که دیگر قادر نشدند در مقابل ضربات سخت ارتجاع قد راست کند. هم اینان بودند که با پیدایش روزنیسم خروشی و شادمانه و بیکاره، برپیم بر افتخار طبقه کارگر ایران را بر زمین افکندند و راه خیانت به اژدهای پرلنارای ایران و جهان را در پیش گرفتند.

پیروزی ایران بنا بر ماهیت خود نمی توانست در رهبری مبارزات ضد امپریالیسمی خلقهای ایران ثابت قدم باشد. این وظیفه حزب طبقه کارگر ایران بود که همواره خود را برای رهبری انقلاب تا پیروزی نهائی آماده کرده، به موقعین رهبری را بدست گیرد و در مقابل تزلزل پیروزی ملی، در پیشانی توده های مبارز خلق و قاطعانه بسوی در هم شکستن توطئه های ضد انقلاب، بسوی پیروزی توده های خلق و حرمانت از دستاوردهای مبارزات آنها، قدم بردارد.

کودتای ۲۸ مرداد با هیچگونه مقاومت جدی روبرو نشد این کودتا شاه را به حکومت بازگردانید و با دست نوری استقلال سیاسی و نظامی و اقتصادی وطن ما را تسلیم امپریالیسم آمریکا نمود که کشور ما را به زندان اقتصادی و نظامی خود تبدیل کرده است. شاه چنین از سر کوب سازمانهای سازز توده ها، ایران را به مرکز توطئه های امپریالیسم بر ضد خلقهای مبارز و آزادی میانه و آزادی تبدیل نموده است. ولی خلقها را میتوان هرگز برای همیشه در هم شکست. توده های خلق خواهان راهی از جنگال، استعمار و استثمار و خواهان آزادی و استقلالند و هیچگاه از ضارده در راه آزادیهای خویش باز نمی آینند. مبارزات توده ها تنها تحت رهبری پرلنار و حزب پیشین از این توانایی پیروز گردن. امروز بعد از بیست و پنج سال از کودتای تنگین ۲۸ مرداد، بنا قیام بی نظیر توده های وسیع خلقهای ایران بیکار دیگر سرنگونی رژیم شاه و برچیدن بساط توکران امپریالیسم در دستور روز قرار گرفته است. بگویم تا با تکیه بر درسهای مبارزات گذشته، بخش رهبری بخش خلقهای ایران با پند گرفتن از عواملی که موجب شکست های ناشی از این جنبش گردیدند، متحد و یکپارچه تحت رهبری حزب پیشین طبقه کارگر ایران، حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، توطئه های امپریالیسمی و عوامل او را افشا کنیم، توده های هر چه دستخوری را برای سرنگونی رژیم جیاول و استثمار آید امپریالیسم و سایر جیاول کران در ایران بسج کیم تا موقع قادر باشیم بر تزلزل تاریخی و ذاتی پیروزی ملی پیروز شده و انقلاب ایران را به سر انجام برسانیم.

سز هوا کوفتند... پشتیبانی مینمود. ولی به دنبال خیانت خروشی و دیگر رهبران شوروی به آرمانهای طبقه کارگر و خلقهای جهان، دولت شوروی در کار دشمنان توده های خلق زحمتکار را قرار گرفتیم بهیچ جهت مورد نفرت و کین توده زحمتکاران ما قرار ندادیم.

همچنین زمانی خلقهای ایران دولت چین را جز اردوگاه سوسیالیستی بشمار آورده، با چنان دل از آن پشتیبانی مینمود. لیک مذهب است که قاطبه خلق ایران آگاهست که دولت چین توده های دیگر در صف خلقهای جهان قرار ندارد. خلق ما در این رژیم تجریبات تلخی بدست آورده است. اکنون حدود هفت سالست که خلق ما شاهد ازبست خنجر خویرن خویش توسط حزب و حکومت چین توده ای است. ما هرگز از یاد نخواهیم برد که دولت چین توده ای در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) از اشرف، این خواهر فاسد شاه، این جاسوسه شناخته شده «سیا» آمریکا و بزرگترین قاجاقچی بین المللی هروئین، دعوت بعمل آورد و نخست وزیر وقت چین و چون لای در میمانی که با تفتار اشرف ترتیب داد، روی را «رفیق قره بی خود خوانده» و مدت ها در مدح و ثنای رژیم کودتا و خصایل و «مبارزات ضد امپریالیسمی» دستگاه پهلوی در آن سخن داد. از آن پس بود که روسای ایران یکی پس از دیگری روانه چین شدند و دوشینی شان هر روز حکمتر از سابق گردید. خلق ما هرگز فراموش نخواهد کرد که روسای دولت چین یکی پس از دیگری طرفی ساختارهای خود به ایران از هیچ گونه «ابراز

لطفاً و تعلق کوفی نسبت به رژیم پهلوی شاه این دشمن خون آشام خلقهای ایران، در پیش نگردند و چنان پیشروانه در این راه جلو نیاختند که حتی خواستند به خلق ستمده و پهلوی زده ما نمایانند که رژیم سفاک شاه، در دست «مخسوار» ملت ایران است. هیچ سفری از سفرهای متعدد هیئت های نمایندگی چین را نمیتوان شمره که طی آن از ترقی و تعالی مملکت ایران تحت توجیحات ذات ملوکانه (رئیس پیشین!) سخن بجان بیایند باشد. خلق ما فراموش نخواهد کرد که در ایامی که از طرفی گلوله های داغ مزدوران شاه سینه فرزندان دلاور خلقهای ایران و منطقه خلیج را میکشاند، رهبران یکی برداخت میلیارد ها دلار از بیت المال مردم را به امیرالیاسم آمریکا جهت خرید لوازم نظامی و وسایل کشتار توده های خلقهای منطقه کوشش برای دفاع از حق حاکمیت ایران قلمداد کرده و شارلاتان وار، سیاست تسلیماتی رژیم وابسته ایران را «مثبت» و «ملی» و «مستقل» ارزیابی مینمود.

از طرف دیگر، از سالهای ۱۹۶۰ (صادق با اول سالهای ۱۳۴۰ شمسی) به بعد، رفتار حزب کمونیست چین در قبال کمونیستهای ایران دیگر هرگز رفتاری انترناسیونالیستی نبوده است. جنبش کمونیستی ایران مدتی است که مورد «لطف»

حزب کمونیست چین نبوده و نیست. لکن آنچه همواره برای کمونیستهای ایران اهمیت داشت عبارت بود از: دفاع از مارکسیسم لنینیسم، مبارزه بی امان علیه روسیونیم و امپریالیسم. واضح است که هیچ توطئه ای نمیتوانست آنان را از راه قدسی که در آن کام بر میداشتند بازدارد. در اوایل ما گمان میکردیم که حزب کمونیست چین در اوضاع ایران و جنبش کمونیستی آن اشتباه میکند. از این رو وظیفه انترناسیونالیستی خود میدانستیم که چه در گفتگوهای حضوری و چه وسیله نامه های متعدد، نظرات خود را در مورد مسایل مختلف به حزب کمونیست چین و شخص مائوتسه توکجا ابراز داریم و نادرستی سیاست چین را در قبال ایران و منطقه خلیج فارس روشن سازیم. تمامی کوشش های ما همانگونه که روشن ناید چینی ها بود بی جواب باقی ماند. هرگز جوابی به تمامی استدلالات، نامه ها و تقاضاهای ما داده نشد. با همه این احوال ما تمام اعمال جینی هارا چنین تلقی میکردیم که این اشکالات میتواند صرفاً از وزارت امور خارجه و اداره مربوطه به روابط با احزاب برادر حزب کمونیست چین باشد. لکن هرگز حاضر نشدیم آن از وظیفه خویش نسبت به طبقه کارگر و خلق های ایران و از وظایف انترناسیونالیستی خویش غافل بنایم. کمونیستهای ایران از مدت ها پیش درک کرده بودند که سیاست نادرستی در حزب کمونیست چین حکم فرمات. از این رو هیچگاه پیشی ضد انقلابی حزب کمونیست چین نن بردند. چنین است علت کم لطفی این آقایان نسبت به کمونیستهای ایران. چه آن زمان که تحت رهبری سازمان مارکسیستی-لنینیستی توان فعالیت میکردند و چه امروز که تحت رهبری حزب احیاء شده طبقه کارگر قهرمان ایران فعالیت میکنند. آنچه کمونیستها نتیجه گرفتند، وانگه اول حزب ما نیز بر آن صحنه گذاشت اینست که حزب کمونیست چین از مدت ها پیش در درون جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران اختلال کرده و در درون سازمان کمونیستهای ایران دست به توطئه میزد. این سیاست و این رفتار هیچگونه وجه مشترکی با انترناسیونالیسم پرلنری ندارد. بهیچ جهت ما اعمال کوفی حزب کمونیست چین را بر علیه جنبش کمونیستی و خلقهای جهان، از جمله خلقهای ایران، متعجب انگیز نمیدانیم. اعمال کوفی حزب کمونیست چین یکسکه پدیدار نگشته اند بلکه نتیجه تکامل افکار و نظریات غیر مارکسیستی-لنینیستی رهبران چین از سالهای پیش میباشد.

آنچه مسلم است اینست که حزب کمونیست چین از اوایل سالها (۱۹۷۰-۱۳۴۹ ه. ش) بطور آشکار راه همکاری با امپریالیسم و خیانت به جنبش خلقهای سراسر جهان را در پیش گرفته است. در ۱۹۷۴ (۱۳۵۳ ه. ش) با علم کردن شبه نظری «سه جهان» و تحت لوای اینکه این نظریه تحلیلی ضد دروغ مارکسیستی-لنینیستی طرح ریزی شده است، بطور پیگیر و کساملاً غلطی در کار امپریالیسم، سگهای رجیری آن و ارتجاع سبزه قرار گرفته است و بر جنایات آنان بر ضد خلقهای جهان صحنه گذارده و حتی در آن شریک مینود. ولی از این غافلند که کمونیستهای واقعی هیچگاه، هیچگونه نظری ضد مارکسیستی بقیه در صفحه ۳

اعتصابات... دست از کار کشیدند و همگی با هم بطرف ریاست کارخانه رفتند و خواستههای خود را مطرح کردند. کارگران دو سه پین نیز این خواستهها را مطرح کرده بودند. کولای مدیر عامل و فاضلی رئیس کارخانه با این خواستهها که از راه غندیگان و کولای و با بطور انفرادی مطرح میشدند و ترتیب اثر نداده بودند. ولی اینبار کارگران تجربه اعتصابات قبلی را داشتند و میدانستند که اگر با هم متحد عمل کنند - مسلماً نتیجه خواهند گرفت.

نکتهایان فاضلی رئیس کارخانه که میخواستند مانع کارگران بشوند و بهشت توسط کارگران تنبیه شدند. کارگران با فاضلی رئیس کارخانه و خواستههای خود را در میان گذاشتند. فاضلی رئیس شهرستانی بهشهر را بجله خواست که در همین حال مسئول سازمان امنیت بهشهر نیز هست. رئیس شهرستانی شروع کرد به تمسیح کارگران ولی وقتی این حقه ها همه بی اثر ماندند و کولای مدیر عامل کارخانه را از تهران خواستند و با شرکت رئیس شهرستانی و جلسه ای در تاریخ هفتم مرداد در "خانه کارگران" تشکیل شد. نشست دیگری نیز در چهارشنبه یازدهم مرداد با شرکت استاندار و دو به اتفاق صد کارگر تشکیل شد که بزودی این شصت نفر با هی های دستگاه حاکمه همه کارگران روشن گردیدند و کارگران یکبار بر روی خواستههای خود محکم ایستادگی کردند.

بعضی از خواستههای ۱۰ ماده ای کارگران بشرح زیر بود:

حقوق پایه کارگران بر ۲۸۰۰۰ تومانی استوار است (۳۳۰۰۰ تومان برای کارگران قدیم و ۴۱۰۰۰ تا ۴۷۰۰۰ تومان برای کارگران جدید) و این مقدار بهیچ وجه کفاف زندگی اولیه آنها را نمیدهد. کارگران به این وضع اعتراض دارند و میخواهند که حقوق پایه آنها بر اساس ۲۸۰۰۰ تومانی تعیین شود.

تخلی از اینکه کارخانه به بخش خصوصی واگذار شود و محسب بازنشستگی بعد از سی سال کار بالغ بر ۲۰۰۰ تومان میشد و میانگین کارگران تا آخر عمر تا این مبلغ زندگی خود را سر میگرداند. ولی اکنون با مسئله بیمه و دیگر اشکالات این حقوق بازنشستگی به ۱۲۰۰۰ تومان رسیده (البته این هم یکی دیگر از کمکهای سرمایه داران است که میخواهند هر چه بیشتر کارگران را بچایند و کمتر به آنها پول بدهند. چندی پیش بن و ۲۰۰۰ مرد که بیش از ۳۸ سال در کارخانه کار کرده بودند، بخاطر کهنلت و بیماری مجبور به ترک کارخانه شده بودند. مدیر پست کارخانه از پدر اختن این ترازوه هزار تومان هم خود داری می کرد. بالاخره یک اعتصاب کارگران مدیریت را مجبور به پرداخت این حقوق به کارگران فرسوده نمود. در این زمینه نیز کارگری خواستار پرداخت این جن و جزای حق بازنشستگی در موقع تولد کارخانه شدند.

سیرا اختن سود ویژه به همه کارگران و بطور مساوی (سود ویژه یکی دیگر از وسایل فشار وارز کردن به کارگران است. سود ویژه در اصل بخشی از دستمز کارگران است که توسط کارفرما به گروگان گرفته میشود و علاوه بر آنکه کارفرما از آن استفاده های تبلیغاتی عوامفریب میکند، بصورت یک وسیله فشار نیز بر علیه کارگران بکار می رود. در کارخانه جیت سازی بهشهر نیز مانند همه کارخانه های دیگر، به عوامین مختلف مقدار زیادی از سهم کارگران کسر میشود. خلق کارگران قدیمی اگر بیمار شوند و یا آتیه ای که تجربه شده است، بسیاری از اوقات تا آنکه سودی بدستشان نمی رسد تازه باید چیزی هم به کارخانه پرداخت - کنند. باید خاطر نشان کرد که افلاک بی پنج کارگران بخاطر شرایط بد زندگی، مدافعا بیمار و در حال رفت و آمد به بیمارستان هستند. چون برای هر روز هجده هزار تومان یک روز کار از حساب سود ویژه آنها کسر میشود. مسلم است که این کارگران که تنها سودی نمی گیرند بلکه اکثر به کارخانه بد فکر هم میشوند.)

ایجاد سالن غذاخوری و لیوان گلی.

تعمیر و تزیین کارخانه فاضلی.

صبح روز شنبه ۱۴ مرداد اعتصاب هنگامی شد و کارگران بخصوص برای اعتراض به تحویل پرداخت سود و دست از کار کشیدند. کارگران ضمن اعتراض به مبلغ سود دریافتی و خاطر نشان کردند که تا بخواست های و ماده ای آنها ترتیب اثر داده نشود شروع بکار نخواهند کرد. کلیه کارگران در محوطه جلوی کارخانه جمع شده و همگی از رفتن به قسمت های خود خود داری کردند.

رئیس شهرستانی از دخالت خود نتیجه ای نگرفت. رئیس اداره کار استان در روز شنبه و یکشنبه کارگران را تهدید به تعطیل کردن کارخانه نمود. ولی کارگران با جدیت تمام اظهار داشتند یا به خواستههای ما ترتیب اثر میدهند و یا اینکه ما بسر کار نمی رویم و یکشنبه و دوشنبه استیفا را برقرار می آوریم. چنانچه از سایرین خاطر وضع کارخانه جیت سازی بهشهر جلسه ای تشکیل دادند.

ضمناً فاضلی رئیس کارخانه شب شنبه برای آنکه در محل کار خود حاضر نشود، سکه ۵ تومانی را بهانه کرده و از تمام کارها و کار کرد. تا روز سه شنبه ۲۷ مرداد و کارخانه جیت سازی بهشهر کاملاً تعطیل بود.

کارخانه ماشین سازی غیریز:

کارخانه ماشین سازی تبریز جز آن کارخانه هائی است که در عرض سال در آن ده ها بار اعتصاب صورت گرفته است. در اینجا نیز کارگران برای خواستههای حداقل خود، میانگین مثل کارگران کارخانه های دیگر، با کارفرمایان و حجامان دریم آنها دست و پنجه نرم کردند. روسای ماشین سازی تبریز به باغلم کردن "خرابیت" مخصوص خود سعی داشتند رابطه ای بیمن حقوق بر مابقی کارگران باسود ویژه ایجاد کنند تا بدینوسیله بتوانند از پرداخت سود ویژه مانند دیگر کارخانه های دیگر طفره ببرند. در این ماشین سازی و لیفت تریک سازی در نیمه دوم مرداد ماه بعنوان اعتراض دست از کار کشیدند. و تهدید کردند که اگر به خواستههای آنان ترتیب اثر داده نشود، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. استناد در آذربایجان شرقی ارتش شدت معان و استناد در قاسم و مدیر عامل کارخانه با سرانگینی خاص با نمایندگان کارخانه وارد شهر شده و در تاریخ ۲۱ مرداد قول دادند که در عرض یک هفته خواست کارگران عملی شود. و از کارگران خواستند تا نتیجه نهائی بسر کار خود ببرند. کارگران گفته اند که اگر در تاریخ مقرر به این وعده ها عمل ننهند، اعتصابات با شدت بیشتری ادامه خواهند یافت.

کشتارگاه تبریز:

کارگران کشتارگاه تبریز از جمله کارگرانی هستند که فاقد هر گونه بیمه و حقوق بازنشستگی میباشند. دستمز آنان محسب از دستمز ناچیز کارخانه ها نیز کمتر است. آنها مدتها بود که خواستههای اضافه حقوق و مزایای همسان با کارگران دیگر بودند. تا اینکه با تجربه روز ۲۴ تیر همه کارگران دست از کار کشیدند و تهدید کارفرمایان و سازمان امنیت که در روز ۲۷ تیر کارگران را با یک یک دیگر تحت فشار گذاشته بودید. نیز کاری از پیش نبرد و کارگران کشتارگاه به اعتصاب خود ادامه دادند.

آنچه که قابل توجه است اینست که کارگران با کوشش و پیوست خود داری میبندد که بدون یک تشکل مستحکم در مقابل کارفرمایان طالع و امکان هیچ گونه مقاومت نیست. در این مبارزات کارگران درنگ نکردند که بدون داشتن یک سند گس کارگری که توسط نمایندگان واقعی خودشان رهبری شود، امکان هرگونه پیروزی در مبارزه برای تحقق خواستههای آنان غیرممکن است. حزب کمونیست کارگران و انقلابان ایران وظیفه دارند در اینجا سندیکاهای واقعی و مبارز کارگران بر سر اسرار ایران بگشایند.

سفر هوا کوفتک:

لبنیستی را که سابقاً طبقاً از توصیه میکند و سابقاً خلقها را قربانی نظام امپریالیستی و سبهای زحیریشان میگرداند، تبدیل برده و با آن مبارزه نیز میکند. وقتی اگر این تئوری نام ماوشه تونگ را بر خود داشته باشد.

در واقع راهی که همزمان یکی در پیش گرفته اند، راهی است که باید از چین یک امر قدرت توسعه طلب و تجاوز گسترش دیگر و در کار و اثر قدرت آمریکا و شوروی سازد که در پی است سابق و ابتدا حق ترین حقوق خلقهای تزارس جهان و پایمال میشود. چین با پیش کردن سیاست سازش و همکاری با امپریالیسم و ارتجاع و روزیوشم و بخواد سبب از غارت ملت های مستعمره جهان طلب کند.

جای هیچگونه تعجب نیست اگر روزیوشم و سببهای چنین امروز در رقابت خود با سوسیال امپریالیسم شوروی به منظور تحمیل سیاست خویش در منطقه جنوب شرقی آسیا حتی از تجاوز برز های ویتنام نیز خود داری نسیب کند. جای تعجب نیست اگر دولت و حزب کمونیست چین در تعقیب سیاست و سیاست برتری طلبانه خویش تمام روابط خویش را با حزب گاو و دولت سوسیالیستی آلبانی که همواره بر عهد او ثابت قدم بوده و تا از باکتری مارکسیسم - لبنیسم بودن است قطع میکند و به محاصره اقتصادی جمهوری تون های سوسیالیستی آلبانی میبندد و رفتار حزب کمونیست چین نسبت به آلبانی سوسیالیستی همزمان رفتاری است که خورشید روزیوشم و در اوردسته وی در گذشته نسبت به آلبانی قهرمان انجام دادند.

ما سفر هوا کوفتک را به ایران و پشتبانی وی را از یکی از هارترین سببهای تئوری امپریالیسم نظیر شاه ایران.

چاره زحیران... به گروه های جداگانه به حیایانهای اطراف؟ شهبان، تهران، و شاهرخ و صفایا، کزکان، زاله و... حرکت میکند. شنبه ۲۱ مرداد در خیابان صفا و دو جیب روسی کار پیا پیا کشیده شد. هر روز تظاهراتی در اغلب نقاط شهران صورت میگیرد. مثلاً در قلک، پاسار، قلعه مرفی، دروازه شمیران، کوکب کسیر میدان خراسان، خیابان چهارم و خیابان فلاح، فرخ آباد و... و در این تظاهرات چند روز اخیر بیش از ۱۰۰ نفر کشته شده اند و باز نیز در این روز های تظاهرات تعطیل است. در قزوین و اردبیل نیز زود خورد بسیار شدیدی جریان داشت که باعث کشته شدن چندین پاسبان نیز گردید.

همچنین تا حال دو افلاک می از طرف ارتشانی به پشتبانی مردم در یاد کانهای تیروی زمینی تهران منتشر شده است.

توزیع تابه در مقابل قهر مردم بیچاره شده است احتیاج بر زمان دارد و از اینرو کامیاب معتقد به سرنگونی رژیم تکبیر پهلوی نباشد. راهی جز خیانتهای مافوق مردم نمیروند. بساط این رژیم خنایت پیشه را نباید هر چه زودتر در هم ریخت و جنایتکاران و همکاران و حامیان این دستگاه شیطانی را به کفر اعمال خود رسانید. مردم ما هوشیارند و بموجب صالحته گرانسی را که جنبش عظیم گیتی خلق ایران را بوجه الصالحته خود قرار داده و درسی سازش با امپریالیسم و حفظ و دوام زمان ننگین و جنایتکار پهلوی هستند، رسوا کرده و از زور خود طفره خواهند نمود. برای استقرار واقعی یک دموکراسی در ایران، یعنی از نوع دموکراسی بورژوازی اریوانی آن، در اولین قدم باید رژیم ننگین شاه را سرنگین کرد. و با همکاری تمامی نیروهای خلقی و دموکراتیک که دارای خلقتند، امپریالیستی و ضد سوسیالی امپریالیستی باشند، یک حکومت موقت تشکیل داد که وظیفه اش نابود کردن بقایای رژیم پوسیده دیکتاتوری شاهنشاهی و دعوت مجلس موسسان به منظور طرهریزی یک دولت جمهوری دموکراتیک و متکی بر مردم و یک قانون اساسی جدید در خدمت مردم باشد که کنترل دائمی مردم را بر حکومت تأمین کرده و از این طریق راه را بر هر گونه گرایش به خیانت مردم مسدود گرداند.

هیچ وجه نباید در دام تجربیات تلخی نظیر دوران حکومت علی امینی (معروف به علی نظقی) این توکر آمریکا، افتاد که حاصلی جز وقت گذرانی و فریب دادن توده ها ندارد. ولی این امر جز با متحد کردن و تشکل بیشتر صفوف توده ها که در یک سازمان خود بخود بسیار وسیع و بی سابقه باشد، حاصل نمیشود. باید چنان تشکلاتی ایجاد کرد که در مقابل تحریکات نظامی و سیاسی شاه و سایر عوامل امپریالیسم قادر باشند توده های وسیع خلق را برای مقاومت حتی مسلحانه سازمان داده و تا سرنگونی کامل رژیم شاه و قطع کامل سلطه امپریالیسم بر ایران قطعانه رهبری کند. توده ها را بر مبارزاتی یک تیر در اسلحانه تشکل کیم زیرا سلطه فئودال عوامل امپریالیسم را که رهائی از آن شرط اساسی استقرار واقعی و قطعی دموکراسی در ایران است، بجز در انبودی مسلحانه نمیتوان برانداخت. هیچگونه ضلالتی را با امپریالیسم و دولت نشان دادن نباید بریم و مبارزه را تا آخر ادامه دهیم. پیروزی ما خواهد بود.

که سابقاً جز خیانت و تبارت نسبت به طبقه کارگر و خلقهای زحمتکار ایران ندارد. ناشی از سیاست طبی و سیاست همکاری زهربران پس با امپریالیسم آمریکا برای تقسیم مجدد جهان و طلب سهم خویش از غارت خلقها میباشند.

انتقاد قرار گرفتن در کار ارتجاع سپاه و سرستان سودی برای پشتبانی از شاه و سزاقار شهنشاهت. ما جنبه کار جنبه زحمتکاران جنبه انقلاب و سوسیالیسم را انتخاب کرده ایم. برای انجام انقلاب توده ای و آغاز ساختمان سوسیالیسم در چین خویش برای تحکیم وحدت ایران و گام کوتیسم بین المللی. اینترناسیونالیسم پروری و انقلاب جهانی مبارزه میکنیم. راه شما راه خورشید و کلیه مردم است به طبقه کارگر و زحمتکاران راه گویاست تاریخ و راه ما راه برتر است. راه سوسیالیسم و راه آینده درخشان خلقهای گیتی است.

تلسون، یکا سات

X. DR. GIOVANNA GRONDA
240 30 VILLA D'ADDA - ITALY

کسب سات

X. DR. GIOVANNA GRONDA
CONTO 17.549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO, ITALY

انقلاب دموکراتیک توده های تنهاراه رهائی خلق ایران است

اعتصامات کارگری

از سالها پیش در اکثر کارخانه های بزرگ ایران، جریمه کردن کارگران متداول گردید. روش جریمه کردن یکی از آن روشهای کاملا فاشیستی است که توسط آن سرمایه داران می توانند تا آخرین ریق کارگران مارا بربایند. این روش تنها بر فقر کارگران میافزاید و موجب پر شدن بیشتر جیب سرمایه دار میگردد. بلکه وسیله هم در دست کارفرمایان است که با تقسیم قسمتی از پولهای جریمه ما بین مدیران و کارهای بسالی کارخانه، ایادی سرمایه داران را برای خدمت بیشتر بلربایان خود تشویق میکند و آنان را به جان کارگران میاندازد. نتیجه اینکار بیرون همه جانبه بر ساق کارگران روار آوردن فشار بیشتر از بین و طاقت فرسایه کارگران این آفرینندگان شروتهای افسانگای سرمایه داران است. این نوع فشارها در همه کارخانه های ایران وجود دارد و همیشه با واکنش و مقاومت دلبرانه کارگران روبرو شده است. اعتصامات کارخانه های جیت سازی پهنپو و ماشین سازی تبریز دو نمونه از این مقاومتهای کارگران بر ماه گذشته است.

در کارخانه جیت سازی پهنپو ۱۸۰ کارگر در شیخیهای مختلف دستبند گردید. سهامداران عیده این کارخانه عبارتند از: خسرو شاهی (وزیر)، سیرینک مالک، قاسمی (وزیر سرمایه داران بزرگ تهران)، اشرفی (نماینده پهنپو) و کولانی (مدیر عامل کارخانه هفت).

در این کارخانه از مدتی قبل و مدیریت کارخانه برای آنکه بتواند عوام فریبی کند و در عین حال بین کارگران نفای بیافکند، بکارگران پنده داد که پولهای جمع آوری شده از جریمه را هر ساله بین کارگران تقسیم خواهد کرد. در اواخر بهار سال ۱۳۵۷ کارگران تقسیم پولهای جریمه را خواستار شدند. ولی

از آنجا که مثل سابق جریمه های جمع آوری شده بهیچ وجه مسا و انکارا پولهای روسای کارخانه ریخته شده بود (یعنواں وصال فقط دو نفر از روسا ۱۷۰۰۰ تومان از این پول دریافت کرده بودند) و دیگر پولی برای تقسیم ما بین کارگران باقی نمانده بود. روسای کارخانه در فاصله یکماه ما بین خود را و تیسیر و

۳ نفر از کارگران ناراضی را بهیچین کردند. در روز ۳۱ تیرماه در قسمت بافندگی کارخانه بنا بدستور مدیر کارخانه و فاضلی تمام دلربهای کارخانه را که آزادی هشت درب میباشند برای تمام مدت روز کار بستند. شیفت صبح را اجبارا کارگران در حالت زندانی بودن و در محیطی پرازد گرد و غبار بسر بردند ولی با فرارسیدن شیفت عصر کارگران پس از اعتراض به مدیریت و نتیجتا گرفتن ازران بهیچ تصمیم به اعتصام گرفتند و دست

از کار کشیدند. در مقابل اعتراض مجدد کارگران، کارفرمایان چاره ای جز عقب نشینی نداشتند و فوراً دستور دادند در صبح را باز کنند. حال آنکه تمام روز کارگران بطول اعتراضی به او مراجعه میکردند و نتیجه ای نیکم نکردند.

کارفرمایان برای فشار آوردن به کارگران پاره ها باغتی از مدتتها قبل در فرام کردن ماسوره وغیره کوتاهی میکردند. در قسمت پنج ریشین بین ۳۶ تا ۳۷ هزار دوک وجود دارد که ۵ تا ۶ هزار تائی آن بیگار است. همه اینها موجب بایستن آمدن در آمد کارگران میشود. زیرا حقوق پایه کارگران طوری ترتیب داده شده است که دستمزد کارگران قدیمی ۳۳ تومان و کارگران جدید بین ۲۱ تا ۲۷ تومان است. کارگران کنیزای گذران زندگی به پول بیشتری نیاز دارند. باید اضافه کسار

کند. با نبودن دوک و ماسوره و اضافه کار ممکن نمی شود. کار فرمایان برای توجیه کار خود ووظاها برای تأمین نیامدن درآمد کارگران ولی در واقع برای بهره کسی بیشتر از نیروی کار کارگران و در جیبهای بافندگی را از ۲۶ تا ۳۶ رساندند. این عمل مسلما باعث فرسودگی هر چه بیشتر کارگران میشود. روز هفتم مرداد کارگران قشمت شیفت صبح پاره باغی

از شرایطی که کارفرمایان به آنها تحمیل کرده بودند به تنگ آمده و برای درخواست اضافه حقوق و بقیه در صفحه ۳

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

برای آنکه آثار جرم خود را کمر کند، رکنه شدگان را از میدانها بدر میبرد. یعنی جوان ها و سالهای بنام نعتی خلاف پیر که هدف تیر در زخمیان قرار گرفته و زنی شده و بوی و بکله اهالی از دست جنایتکاران نجات پیدا کرد. و در روزهای روزانه در هر گوشه شهران دیگر معمولی شده است. در تبریز از ماهها پیش تظاهرات بلاقطع ادامه دارد. این تظاهرات در محلات فقیر نشین تبریز از جمله شاه آباد و مارالان حدبشخصی یافته است. رژیم اجننا چندین تن از شهادهای تبریز را برود خانه آچی جای انداخته است. بخلاف اجساد چندین تن از شهادهای دانشگاه تبریز که پوست صورت آنها کیده شده بود و تشخص آنها بدشواری امکان داشت. در کوههای عینا ل یافت شدند همه این جنایات نشان میدهند که این رژیم تاجچه حدب در دست و برنده خواست.

رژیم جنایتکار که از این کشتارها نتیجهای نگرفت و حالا بظا هر عقب نشینی کرده و به توجیه حاجان امپریالیست خود و شیوهای دیگر یعنی عوض کردن کابینه و ادعای اینکه من آزادی کامل مثل دموکراسیهای اروپائی میدهم را اختیار کرده است. انگار خود همین شاه نبود که تا چند ماه پیش وقحانه عریه میکشید و میگفت که ایرانیان ایلیاقت آزادی را ندارند. آوردن تیرهای این عامل شناخته شده و نوکر مستقیم امپریالیسم یکی از ایلسن

مقوله است. تیرهای امپریالیست و رئیس بنیاد پهلوی (یعنی رئیس و کارگردان قارخانه ها و مراکز عین و عشرت و فساد خاندان پهلوی) یکی از بزرگترین مجتهدین و قاجار فوجیان در بار که قیاس به خون دگر خانعلی تبریز آورده است. ادعا میکند که بولت و

حصم اعتباری دموکراسی وسیعی بر مردم پهنپو بیاضاد نیز باز کرده. زهی وقاحت! چنین ادعائی از شریف امامی واقعا هم که بسیار ضحك است. چه کسی شك میکند که او خود میربابیت مانند آموزگار همکار سابقش که او نیز ادعای دموکراسی در آن را داشت. اینان هتگی جنبران سیاست های مربوط به دیار بوده و از زبان شاه سخن میکشند. محمد علیشاه نیز ادعا میکرد که

میخواهد بر مردم آزادی بده ولی مردم که او را میتنا ختند بساط او را جمع کرده و برای همیشه از شرش خلاص شدند. آیا با بودن دستگاه جسمی ساواک و موجود بودن دیار پهلوی و این لایسه ضار و کشنگاه دشمنان آزادی که محکم ترین تکیه کار امپریالیسم تجار و زکا و سلطه جو و جنایتکار امپریالیست و آزادی و دموکراسی در ایران امکان پذیر است؟ اولین قدم هر دولت آزادیخواهی

باید قبل از هر چیز آزاد کردن زندانیان سیاسی بدون هیچ قید و شرط و بر جیدن بساط جنایتکاران ساواک و دیگر دستگاه های تشییع عقاید و اختنای و از بین بردن بیدارگاههای نظا

انحلال قوی مجلسین و لغو تمامی قوانین ضد دموکراسی که در دوران حکومت ننگین پهلوی بخلق ما تحمیل شده است و مجازات همه کسانی که مانند شاه بر علیه خلق ما جنایت کردند و یا در این جنایات شریک بودند و . . . و از همه بیشتر تأسیس استقلال سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران و قطع کامل و دائمی دخالت امپریالیستها در امور خلقهای ما باشد که تنها ضمان

استقرار پایدار دموکراسی در ایران است. تعیین امر امکان ندارد جز با سرنگونی رژیم پوسیده شاهنشاهی برقراری جگوشی کشته نامیده و واقعی توده های وسیع خلقهای ما باشد. در واقع بودن آساعهای شریف امامی در روز نیم شهریور بخندار پهنپو آشکارگرید که چکه بوستان رژیم تظاهرات مردم سیوکار را در سراسر ایران بگولوه بستند و صد ها تن را کشته و زنی کردند. با اینهمه دیگر چه جای ادعای دموکراسی باقی میماند؟

برای آنکه بعیلت این فتنهای رها و صفتانه رژیم بیشتر باشد بریم به بستر استکی در پیچره این گزارش از تبریز نتیجه بگیریم: امروز ۲۸ مرداد تهران همچنان صحنه زد و خورد های خونین بین نیروهای پلیس و مردم است. هر روز و هر شب در هر گوشه و کار های این شهر تظاهراتی برای میشود و مردم بساط منتهیای که کرده به دامن شعار و حمله به بایکها و سایر مراکز امپریالیستی با سنگ و جوب میراندند و در شب در فوزه تظاهراتی در گرفت که بیش از بد و ساعت بطول انجامید و بالاخره در حالیکه فضای خیابان را گاز اشک آوری پوشانده بود. سرمایه داران مسلسل بدست و آماده شلیک در خیابانها مستقر شدند. از ۲۰ مرداد تا کنون تقریباً هر شب در این قسمت شهر مردم به تظاهرات میراندند و بعد از مدتی

در پنج هفته گذشته که صاف با ماه رمضان بود رژیم در دست پهلوی آنقدر که شیوه همیگی است. یکی از بزرگترین جنایات و کشت و کشتارهای خود را علیه خلق سفید پد و زبحان آمده و با علق شناخت این نوع جدید کشتارهای وحشیانه از روز ۳۶ تیر ماه و کشتار بیرحمانه شهر مشهد که تجاوز ۱۰۰۰۰ کشته و صد ها زنی بهار آورد) آغاز گردید و در روز هفتاد تا ۲۳ مرداد اوج گرفت. در روز ۲۸ مرداد و در جریان آتش زدن سینما رکن آبادان، بالا ترین فله کوفی وحشیگری و دیو صفتی شاه نمایان شد. آخرین خبر درباره کشتار ششم شهریور (چشم شهیدی شهید) است که طی آن در مشهد و تهران و ایلام و کرخ و قم و دهستان کشته و صد هاتن زنی شدند خلق زخمگتن و ستم دیده اما دیگر نمیتواند این زندگی شد

طاقت فرسا و این حکومت شیطانی را تحمل کند. دستگاه جبهتی پهلوی چیزی باقی نیکه داشته است که مردم با آن امید ببندند. روزهای پنهان مردم تمام شهرهای ایران حمله اصفهان صحنه زد و خورد های خونین بود. در این سه روز شهر اصفهان بیك تگلکاه تبدیل شده بود. میدان پهلوی، خیابان فریونی و چهارراه و قالی و از خون شهیدان سیراب شدند. در بدو روز آخر حملات کاندوهای رژیم جنان بیرحمانه بودند که بر جبهتی های چه کوبک و چم زن و چه بیروز خون زخم نیکرند. در این روزها اصفهان شاهد جنگهای خونین بود. ایل بی شوی که گولوه های محمد رضا شاه و قلب کونکی و جوانی ویا لپری را نیکه ننگانند. هنوز هم شب از گدشتن چندین هفته ایشی نیست که

چندین نفر قربانی حکومت نظامی محمد رضا شاه شدند و در روزهای ۲۰ تا ۲۸ مرداد ماه وضع در شیراز بسیار از این نبود. ارتش سیاه و شاهنشاهی در این شهر نیز از هیچ جنایتی دریغ نوزید. در مسجد نو وقتی مردم در حال تفرق شدن بودند و کار جنایتکار شاه در دست میوزی جمعیت آتش

کشود و در نتیجه بیش از ۵۰ نفر کشته و ده ها نفر زنی شدند. رژیم جنایتکار پهلوی معتقد است که "هر مخالفی را باید در نقطه خفه کرد". برای اجرای این عقیده وین که بدستند وقتی هزارها نفر از مردم که در تشییع جنازه آیت الله العظمی شرکت کرده بودند، بناگاه بگردد خلبه اسلحه های عساکر رژیم قرار گرفته و در یک آن دو صف جلو او شرکت کنندگان در مراسم سوگوار و در اثر اصابت گلوله ها تقریباً زمین شدند. شاه با این طریق قصد داشت گفته خود را بر اینک "صفت جبهتی ایران هم

برایش کافی است. را به خلقهای ما ثابت کند. این جانی که از طرف امپریالیستهای شرقی و میخواست در توده ها و دانشجویان

گند تا شاید آنها را از جوار زمین بردارد غلبید. این یکی از نمونه های وحشت بزرگی بود که شاه به خلقهای ما دیده داد. نمونه های جنایت هولناک ۲۸ مرداد در آبادان است. کشته

عمل بنیادگی رژیم شاه و در سهای سینما رکن آبادان را با تاراج بسته و بیش از ۶۷۷ تن زن و کودک و بیرو جوان را زنده و زنده در آتش سوختند. این یکی از جنایاتی است که در تاریخ جهان بی نظیر است. این رژیم مفلک، کمان میرود که با چشمن جنایت

میتواند خود را با بی نظیر جلوه دهد. خلق های ما و افکار بگوشی جهانی را بر سرید و توجیسی بر ایمال نظامی فاشیستی خود بیاید. زنی او غافل است که دیگر هیچ کس کوچکترین اعتراضی باو ندارد. منر حجان لحظاتی اول اعلان این خبر در داخل

و در خارج کپور و همه جنایتان یکدما این عمل جنایتکارانه شاه را افشا کردند. حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران پس از دریافت خبر این فاجعه بطی ایلامی که توسط کمیته مرکزی حزب داده و عده بودند از آن این خنایت تقسیم برداشت. روز بعد تظاهرات عظیمی در سراسر ایران و منجمله

در آبادان و اهواز بوقوع پیوست. در منطقه کینا ریش تظاهر کنندگان قادر گردیدند کلوب مشعل را که مشعلکده کمرباره ها

ایران و شرکا و کاسه لیسان شاه بود به خاک یکسان کنند. چندی بعد سمسدگی رژیم تبریز در این منطقه به آتش کشید و چندی بعد این روز نیز عده زیادی کشته و زنی بوضه ها نفر از طرف اخلق و

وانه زندان ها شدند. تظاهرات عظیمی نیز در قزوین و جهموم همه آن و شیراز و قم و . . . و دیگر شهرها رخ داد. فقط گشته شدگان شهر اهواز و از اوائل سال تا حال بیش از ۵۰۰ تن است. در خیابان کشتاب اهواز حمله گوماند و هاشمه قدری شویید بود که نیسان را نیز بگولوه بستند. رژیم در دست

زنده باد حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران